

شنبه؛ سی ام اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

نشست بیستم فقه پزشکی ؛ پرونده نهم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا  
و قائدا و ناصرًا و دليلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

**موضوع: ازاله بکارت ؛ پاسخ به پرسشها**

**سوال چهارم: گستره شناسی ازاله بکارت**

این که اگر این ازاله بکارت ترمیم شود، تاثیری بر مقدار دیه دارد یا نه؟

مساله را از این جهت به آن نگاه کنید که سوال عامی است .

در باب ارش و دیه بسیاری از وقتها با پیشرفت علمی ، بکارت قابل ترمیم است ؛ سوال این است که این  
جا داستان چه می شود؟

دو مطلب هست؛ ازاله بکارت به چه معناست و دیگری این که اگر قابل ترمیم باشد، چه می شود؟

ما اقتضای تتبع را گفتیم ؛ برخی معتقد بودند قابل ترمیم باشد یا نه ، در هر حال ارش البکاره یا مهر المثل  
را باید داد ...برخی هم معتقد بودند اگر قابل ترمیم باشد، دیه مقدر واجب نیست؛ بلکه ارش خانم باید  
بگیرد.

از آقای بهجت قدس سره ؛ سوال شده بود و ایشان جواب داده بود که اگر قابل ترمیم هست باید سرایت  
داد. تتبع قضیه گذشت اما تحقیق قضیه مانده است.

واقعا باید ازاله بکارت شده باشد این که خراشی وارد شده باشد، ما بحث نمی کنیم.

ما در مواردی داریم که خود شارع و قانون گذار تفاوت گذاشته است بین صورت ترمیم و صورت غیر  
ترمیم.

**مواد قانونی و تصریحات**

مواد ۴۳۱ یا ۴۳۸ و ۴۴۲ و ۴۴۳ از قانون مصوب سال ۷۰ به این جریان اشاره دارد و در این باره تفاوت  
گذاشته است

ماده ۴۳۱:

هرگاه بعد شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات ، معالجه موثر شود و اثری از جنایت نماند  
جانی باید یک صد دینار بپردازد.

(میدانید که جنایت بر ستون فقرات دیه کامل دارد ولی اگر درمان شود از صددر صد می آید میایدده  
( در صد )

یا ماده ۴۳۸:

شکستن دو استخوان ترقوه کنار گردن ، دیه کامل دارد؛ و شکستن هر کدام از آن ها که درمان نشود یا با  
عیب درمان شود، نصف دیه کامل دارد.

(از پانصد دینار می آید به چهل دینار می رسد)

ماده ۴۴۲:

شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است (یک پنجم)، و اگر معالجه نشود و بدون  
عیب گردد دیه آن چهار پنجم دیه کامل است.

ماده ۴۴۳:

در جدا کردن استخوان از عضو به طوری که آن عضو بی فایده باشد دو سوم و اگر بدون عیب درمان  
شود ، چهار پنجم اصل جدا کردن است.

مواردی داریم که بین فرض درمان و عدم درمان تفاوت قائل است اما تا بخواهید مواردی داریم که نه در  
قانون و نه در فقه و نه در روایات فرقی بین فرض درمان و عدم درمان نگذاشته است.

مثلا کسی همین ارش البکاره را که بحث می کنیم؛ ازاله بکارت را که داریم صحبت می کنیم ، نگفته است  
اگر درمان شود فلان اگر درمان نشود، فلان ...

کسی لاله گوش کسی را قطع کند، دیه او نصف است و نگفته است که اگر لاله او جوش داده شود و  
درمان شود، چه میشود. این جا به نظر فقهی چه باید کرد؟ ایا ملحق کنیم به آن مواردی که فرقی می  
گذاشت؟

یا ملحق کنیم به آن مواردی که فرقی ندارد یا این که آن موارد که تفاوت ندارد را زیر سوال ببریم.

**نظر آیت الله مکارم:**

در جنایت بر اعضا و منافع در صورتی که عضو ترمیم شود و منافع بازگردد ، دیه مقدر واجب نیست  
، بلکه ارش میدهند باهزینه درمان

**آیت الله بهجت:**

سوال شده آیا تاثیر درمان در میزان دیه به غیر موارد مصرح در فقه می توان تعمیم داد؟

جواب: می شود تسری داد.

بزرگانی مثل آقایانی که نام بردیم ، نظرشان این است که چه آن مواردی را که خود قانو نگذار اشاره کرده است و چه آن مواردی را که اشاره نکرده است ، دیه مقدر مربوط به فرض عدم جبران است. عدم ترمیم ؛ نه فرض ترمیم و جبران.

سوال این است: شارع مقدسی که مواردی را فرق گذاشت چرا تمام موارد را فرق گذاشت؟ قانون که فرق گذاشته است چرا بقیه موارد را فرق نگذاشته است؟ آن جا هم که فرق گذاشته ، نمی گوید ارش؛ می گوید چهل دینار یا به جای صد ، هشتاد دینار .

مجموعاً این نظر آقایان قابل التزام نیست؛

اگر شارع فرق گذاشته باید ملتزم شد و الا باید گفت رابطه موضوع با حکم رابطه علت با معلول است. یعنی ازاله بکارت علة لتعلق مهر المثل ....

علت که محقق شد، منتظر نمی مانیم؛

نظر مشورتی قوه قضاییه نظر خوبی است که همان نظر مشهور است ؛ گفته:

مجرد وقوع جنایت بر مجنی علیه در مواردی که دیه خاصی مقرر شده است موجب اشتغال ذمه می شود و حصول سلامت و بهبودی مجنی علیه چه قبل از حکم و چه بعد از حکم، و چه قبل از دریافت دیه و چه بعد از آن ، موجب سقوط آن نمی گردد، جز در موارد مصرحه در قانون که موجب تغییر مقدار می شود.

اصول فقهی آن هم این است که رابطه موضوع با حکم ، رابطه علت با معلول است.

جنایت که بیاید حکم و دیه هم می آید.

---

شما تصور نکنید اگر ما امکان درمان را قبول نمی کنیم، مطلقاً قبول نمی کنیم ؛ جاهایی است که شارع از اول دیه قرار نداده است ؛ مثلاً از بین بردن موی دست یا از بین بردن مژه ها؛ که آقایان گفته اند دیه مشخص نشده است؛ چه باید بکنیم؟

گفته اند: ارش

این جاممکن است بگوییم این که امکان درمان باشد یا نباشد، فرق کند؛ حتی زمانی را هم در نظر بگیریم برای صبر .....

فرق کنیم مژه کسی از بین رفت ؛ ارش و اگر مژه ها برگردد، یا با درمان برگرداند بگوییم در ارش و میزان آن تاثیر دارد.

شارع که تعیین نکرده است از مولفه های مختلف متابعت میکنیم ولی در هر حال بحث ما جایی است که دیده مقرر شده است و تفصیلی در مساله وجود ندارد.

## معيار در ازاله بکارت چیست؟

سوال چهارمی داریم و آن این که ازاله بکارت چیست؟

مثلا آیا ازاله بکارت در شریعت مطهر اسباب خاصی می خواهد؟

ممکن است کسی بگوید ازاله بکارت که در شرع می گویند و موجب مهر المثل است ازاله بکارت با وطی است که مرد ازاله بکارت کند. سوال این است که آیا هر چیز دیگر غیر وطی را هم شامل می شود؟ در روایت سکونی یا ابن سنان با دست هم گفته شده بود که قرار شد ما الغای خصوصیت کنیم به هر حال در این قصه تفاوتی ایجاد نمی کند.

اما نکته دیگری که در ازاله بکارت به ما مربوط می شود، نه به کارشناس ، داور ازاله بکارت است ؛ معیار ایا عرف است؟ معیار عرف عام است یا عرف خاص یا هیچکدام نیست؟

فرض کنید دختری گفتند ازاله بکارت شده است اما بعد مدتی خوب شد، حالا کسی بگوید این جا ازاله بکارت نبوده و خراش بوده است و یا ممکن است کسی بگوید، خراش نبوده و واقعا ازاله بکارت بوده است، مرجع تشخیص ازاله بکارت در وقت دعوا کیست؟

ما این سوال را مطرح می کنیم ، شما در موارد مشابه پیاده کنید.

سوال من این است شما در موارد مشابه هم به کارشناس مراجعه می کنید یا می گوید هر چه عرف بگوید؟ یا واقع؟

این جور جاها می گویند آن چه مبنا و معیار است، واقع است؛ واقع اگر از طریق تجربه شخصی به دست بیاید معیار آن است. اگر از طریق کارشناس به دست بیاید غالبا این راه است اگر از طریق عرف عام به دست بیاید، ما هم معتقد به نظر کارشناسیم اما برای نظر کارشناس طریقیست قائلیم نه موضوعیت... بنابراین اگر شما در ماه رمضان احساس کنید روزه برای شما ضرر دارد، ولی متخصص می گوید نگیر و لی خودتان به هزار دلیل معتقدید ضرر ندارد موضوع متفاوت میشود و معمولا این گونه است که بعدا هم درست در می آید.